

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۶، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۲۶ - ۷

بررسی مشکلات پیش روی مهاجران ترکمن در تهران (مطالعه موردی: نگهبانان شاغل در شهرک اکباتان)

منیژه مقصودی*

زهره فرضی‌زاده**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۷

چکیده

برخی روستاییان به منظور اشتغال و بهبود وضعیت خود و خانواده معمولاً از زادگاهشان به مناطق شهری به ویژه تهران مهاجرت می‌کنند تا برای آن‌ها امکان کسب درآمد و پیشرفت در مقایسه با روستا فراهم شود. ترکمن‌ها یکی از اقوام مهاجر ساکن در تهران هستند که به صورت فردی یا همراه با خانواده برای بهبود وضعیت اقتصادی مهاجرت کرده‌اند. طبیعتاً افراد مهاجر، در جامعه مقصد با مشکلاتی روبه‌رو هستند. در پژوهش حاضر با روش کیفی مشکلات پیش روی نگهبانان ترکمن و خانواده‌هایشان در شهرک اکباتان بررسی شده است. داده‌های مورد نیاز با روش مشاهده و مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته با ۹ نفر از مردان و زنان ترکمن جمع‌آوری شده و روش تحلیل موضوعی برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، ترکمن‌های مقیم شهرک اکباتان در حوزه روابط و تعاملات خانوادگی و فامیلی، روابط با ترکمن‌ها و سایر اقوام مقیم در شهرک اکباتان و نیز در حوزه شغلی با مشکلاتی مواجه هستند. عدم امکان حضور همه اعضای خانواده در کنار نگهبان، محدودیت فضای محل زندگی و شرایط نامساعد آن، عدم امکان خروج زن ترکمن از منزل در صورت نبود همسر در روستا، دل‌تنگی اعضای خانواده، تعاملات محدود با اعضای جامعه میزبان به دلیل زبان و پوشش متفاوت، درآمد کم، فقدان احساس امنیت شغلی و عدم برخورداری از بیمه برخی از مسائل است.

کلید واژگان: ترکمن، تهران، مسائل، مهاجرت، نگهبان.

* دانشیار گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

maghsoudi@ut.ac.ir

** استادیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی تهران (نویسنده مسئول)

farzizade@ut.ac.ir

مقدمه

از ویژگی‌های نواحی روستایی، میزان بسیار زیاد فقر و محرومیت است (هال و میجلی، ۱۴۸). میزان بالای آسیب‌پذیری در روستاها و تخریب شدید در اثر وقوع زلزله، طوفان، سیل و غیره؛ گرسنگی و سوء‌تغذیه؛ بیماری؛ بی‌سوادی یا کم‌سوادی، مسکن و پوشاک نامناسب، محیط زندگی غیربهداشتی (فاضلاب غیربهداشتی، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم)، عدم اطمینان درباره آینده، بیکاری و ... برخی از مسائل عمده روستاییان کشور است. بسیاری از روستاییان شغل ثابتی ندارند و در شرایطی زندگی می‌کنند که نمی‌دانند فردا برای خود و خانواده‌شان باید چه چیزهایی را انتظار داشته باشند.

ترک محل اقامت به منظور دستیابی به شغل یا شغلی بهتر در مکان جغرافیایی و اجتماعی دیگر، مهم‌ترین علل جابه‌جایی انسان‌ها در زمان حاضر است (کازمی‌پور و قاسمی اردهانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در شهرها فرصت بیشتری برای اشتغال وجود دارد، زیرا در شهرها برخلاف مناطق روستایی که کشاورزی یگانه فعالیت اصلی است، مجموعه متنوع و وسیع‌تری از فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد. همین عامل باعث مهاجرت بسیاری از جوانان روستایی به شهرها می‌شود، بدون اینکه زمینه‌های لازم برای آن از قبل فراهم شده باشد (دیاس و ویکرامانایک، ۱۳۷۷: ۴۲). روستاییان مهاجر در مقصد با مسائل متعددی مواجه می‌شوند. شرایط زندگی در شهرها برای آن‌ها چندان مطلوب نیست. یافتن شغل مناسب در شهرها دشوار است و آن‌ها مجبورند هر کاری که پیدا می‌کنند، انجام دهند. این نوع کارها معمولاً مزد کمی نیز دارد. بسیاری هم به کارهای موقت مشغول‌اند و درآمد ثابتی ندارند. برخی مهاجران حتی برای مدت زیادی بیکار می‌مانند و زندگی را از طریق کمک دیگران می‌گذرانند. هر چه افراد بیشتری از روستا به شهر می‌آیند، بیکاری و فقر در شهرها به شدت مناطق روستایی می‌رسد و حتی از این مناطق بدتر می‌شود. مهاجران فقیر مجبورند در نواحی با جایگاهی پایین‌تر از سایر مناطق زندگی کنند مانند کنار خط راه‌آهن، کانال‌های فاضلاب، نزدیک محل تخلیه زباله و ... گاهی در مناطقی زندگی می‌کنند که تسهیلات جمع‌آوری زباله، سیستم فاضلاب و آب آشامیدنی سالم وجود ندارد. تراکم جمعیت در این نواحی باعث شده است شرایط محیطی زندگی، بهداشتی نباشد و ساکنان به ویژه کودکان در معرض آلودگی و بیماری قرار بگیرند (دیاس و ویکرامانایک، ۱۳۷۷: ۵۳-۵۴).

بیان مسئله

ترکمن‌ها یکی از گروه‌های جمعیتی هستند که برای دستیابی به شغل و کسب درآمد از روستا به تهران مهاجرت کردند. در این پژوهش به مطالعه و بررسی گروهی از مردان و زنان ترکمن ساکن در شهرک اکباتان شهر تهران پرداختیم. در طی سال‌های اخیر تعداد ترکمن‌هایی که برای کار به تهران مهاجرت کرده‌اند به شدت افزایش یافته است. ترکمن‌ها که یکی از اقوام کاملاً درون‌همسر و در حاشیه مرزهای ایران هستند به دلیل بیکاری و بی‌آبی در نواحی روستایی محل زندگی‌شان به سمت شهرهای بزرگ به ویژه تهران مهاجرت

کرده‌اند. گروه مهاجر مورد پژوهش در شهرک اکباتان به شغل نگهداری مشغول‌اند. اخیراً مقرر شد که واژه خادم به جای نگهداری استفاده شود. اغلب آن‌ها از پوشش بیمه‌ای برخوردار نیستند و بخش عمده حقوق اندک خود را برای خانواده می‌فرستند. شرایط زندگی در شهرک اکباتان چندان مناسب نیست، با این حال بیکاری در محل سکونت قبلی‌شان موجب رضایت از زندگی در تهران شده است.

مهاجران عمدتاً گوگلان و اهل روستای صوفیان واقع در شهرستان کلاله استان گلستان هستند. آن‌ها سایر همشهری‌های خود را نیز به مهاجرت و کار در اینجا ترغیب می‌کنند. پرسش مورد نظر ما این است که بدانیم ترکمن‌ها و خانواده‌هایشان با چه مشکلات و کمبودهایی مواجه‌اند. آیا راهکاری برای خروج از بحران‌های پیش روی آن‌ها وجود دارد. مهاجرت از روستا به شهر، بیکاری در روستا، بی‌آبی و کم‌آبی و برخی دیگر از مشکلات از جمله دلایلی هستند که باعث مهاجرت روستاییان ترکمن به تهران و سایر شهرها شده است.

تصور مهاجرت ترکمن‌ها به تهران و مشاهده زنان ترکمن با چارقد‌های رنگین و لباس‌های تنگ تا قوزک پا و هر یک بچه‌ای به بغل و با دست دیگر، دست در دست بچه دیگر بسیار تعجب‌برانگیز بود. زنان ترکمن شب‌ها در محوطه شهرک اکباتان با وقار خاص یک بانوی ترکمنی راه می‌روند. شب‌ها که رفت‌وآمد ساکنان در محوطه پایان می‌یابد، زنان از اتاق‌های بسیار کوچک خود بیرون می‌آیند و نفسی تازه می‌کنند. وقتی از کنار آن‌ها عبور می‌کنیم، متوجه می‌شویم که چگونه نگاه خود را از دیگران می‌دزدند تا مبادا توجه کسی شود. زنان در قلب شهرک اکباتان در کنار همسر و فرزند خود زندگی می‌کنند. اغلب در طول روز در محوطه شهرک، هیچ زن ترکمنی دیده نمی‌شود، آن‌ها در همان اتاق‌های کوچک خود به سر می‌برند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که رضایت، دل‌خوشی، ناراضی‌تی، نیازها و مسائل و مشکلات آن‌ها چیست و از سوی دیگر مردان که عادت به یکجانشینی نداشته‌اند، در این شرایط چگونه می‌توانند به عنوان نگهدارنده، روزها، عصرها و شب‌ها در جلوی درب ورودی‌های آپارتمان‌ها بنشینند و به هر یک از ساکنان که می‌آیند، سلام کنند و بدین ترتیب روز و شب خود را بگذرانند. علاوه بر آن نظافت ساختمان و ناراضی‌تی ارباب‌رجوع را تحمل و برای رفع مشکلات ساختمان تلاش کنند، زیرا در غیر این صورت کار خود را از دست می‌دهند. وضعیت فوق برای یک خانواده ترکمن که به طور کامل شیوه زندگی خود را دگرگون کرده و برای کار به اینجا آمده است، مسئله‌ای بسیار پیچیده و تا حدی دردناک است. علاوه بر این فرزندان چگونه با این مسائل کنار می‌آیند.

پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر این است که

۱. نگهدارندگان ترکمن در تهران با چه مشکلاتی مواجه هستند؟
۲. زندگی و کار در تهران، چه فرصت‌هایی را پیش روی آن‌ها قرار داده است؟

۳. زندگی و کار در تهران چه تهدیدهایی را برای آن‌ها پدید آورده است؟
۴. قوت‌ها و ضعف‌های کار ترکمن‌ها در تهران برای آن‌ها، همسر و خانواده‌شان چیست؟
۵. آیا ترکمن‌ها برای حل شدن در جامعه تهرانی‌ها کوشش می‌کنند؟ آیا آن‌ها اصولاً تمایلی به حل و جذب شدن در میان تهرانی‌ها دارند؟ بر اساس چه ملاک‌هایی ترکمن‌ها خود را جدا از جامعه‌ای می‌پندارند که در آن زندگی و کار می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

عمده مطالعات پیشین درباره عوامل مؤثر بر مهاجرت (پوستن^۱ و همکاران، ۲۰۰۹؛ میکائیلیدز^۲، ۲۰۱۱؛ رجایی و صحنه، ۱۳۹۴) یا آثار مهاجرت در جامعه مبدأ یا مقصد (گریکو^۳، ۱۹۹۸؛ میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۴) بوده است. صاحب‌نظران مهاجرت، دیدگاه‌های متفاوتی درباره پیامدهای مهاجرت مطرح کرده‌اند. اکثر آن‌ها معتقدند مهاجرت در هر شکلی سرانجام در مبدأ و مقصد و نیز وضعیت مهاجران و خانواده‌هایشان تغییراتی پدید می‌آورد (عفتی، ۱۳۸۳: ۵۳). در اکثر پژوهش‌ها به پیامدهای اقتصادی مهاجرت و تأثیر وجوه ارسالی بر بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های روستایی تأکید شده است؛ اما مهاجرت علاوه بر آثار اقتصادی، به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز آثار مهمی بر جا می‌گذارد (کوثر و همکاران، ۲۰۱۴). مهاجرت طولانی مردان از مناطق روستایی فقیرنشین حجم کار زنان را افزایش می‌دهد، رفع نیازهای اساسی آن‌ها را دشوار می‌کند و در مواردی که به دلیل الزام به رعایت هنجارهای اجتماع محلی، خروج زنان از منزل (در صورت نبود همسر) با محدودیت‌های بسیاری مواجه می‌شود، شدت رنج زنان افزایش می‌یابد. علاوه بر این از جمله آثار دیگر، مشکلات عاطفی زوج‌ها است که در اثر دوری از یکدیگر بروز می‌کند. برخی پژوهشگران نیز دریافته‌اند که مهاجرت با افزایش نرخ طلاق، بی‌ثباتی زندگی مشترک و ازهم‌پاشیدگی خانواده ارتباط دارد.

موضوع دیگر آثار مهاجرت والدین بر کودکان است که به عوامل بسیاری از جمله مدت زمان مهاجرت، میزان وجوه ارسالی از طرف فرد مهاجر، سن و جنس کودک، سن پدر و مادر، اندازه و ترکیب خانواده و بستگان و اندازه و ماهیت مهاجرت بستگی دارد. توجه بیشتر والدین به آموزش و بهداشت کودک (به دلیل دستیابی به منابع مالی بیشتر)، مشکلات عاطفی فرزندان در اثر دوری از پدر، احتمال مهاجرت فرزندان در آینده، کنترل بیشتر یکی از والدین بر تصمیم‌گیری درباره موضوعات مربوط به فرزندان از جمله آثار است. لین و یی^۴ (۱۹۹۷) در پژوهش خود بر فشارهای مالی، سیستم حمایت روانی و

¹ Poston

² Michaelides

³ Grieco

⁴ Lin & Yi

اجتماعی و مشکلات در روابط شخصی مهاجران در جامعه مقصد تأکید کردند. موری^۱ (۲۰۰۰ به نقل از دسوزا^۲، ۲۰۰۵) نیز معتقد است که در جامعه مقصد پنج منبع استرس برای سازگاری مهاجران وجود دارد که عبارت‌اند از: موانع زبانی، عدم آگاهی، مشکلات مالی، نابسامانی‌های اجتماعی و اختلالات روانی.

جعفری‌نیا و بذرافشان (۱۳۹۰) در پیمایشی به بررسی نقش عوامل فرهنگی (تأثیر فرهنگ پذیری، شبکه‌های اجتماعی و گرایش‌های دینی) بر رضایت مهاجران در شهر ایلام پرداختند. بر اساس یافته‌های این پژوهش رابطه معنی‌داری بین رضایت مهاجران و متغیرهای فرهنگ‌پذیری در مقصد، گرایش‌های مذهبی، وجود شبکه‌های اجتماعی در مقصد، مدت اقامت، امکانات آموزشی، امکانات بهداشتی، فاصله بین مبدأ و مقصد و رفتار مردم در مقصد وجود دارد و متغیرهای فوق در مجموع ۶۵٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. ارشاد و مینا (۱۳۸۹) نیز در مطالعه‌ای با روش اسنادی - نظری و نیز تحلیل ثانویه بر اساس داده‌های آماری موجود به بررسی رابطه متقابل مهاجرت و نابرابری پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این بررسی، رابطه مهاجرت و نابرابری گسترده و چندبعدی است. به این معنا که حرکات جمعیتی نه تنها باعث تغییر چگونگی پراکندگی جمعیت در درون یک منطقه جغرافیایی می‌شود بلکه در ساختارهای شغلی، رفاهی، جنسی، آموزشی و ... نیز تغییر ایجاد می‌کند. هر کدام از این تغییرات نیز به نوبه خود شرایط نابرابری را پیچیده‌تر و زمینه را برای مطالعه دقیق‌تر موضوع فراهم می‌کنند. الگوی توسعه شهرگرا، نابرابری میان شهر و روستا به لحاظ کیفیت زندگی و شکاف توسعه بین آن‌ها را به طور مستمر و روزافزون گسترش داده است. شهرگرا بودن روند توسعه، در تلاش‌های علمی نیز نفوذ کرده است، به طوری که همواره از مشکلات شهری مانند ترافیک، حاشیه‌نشینی و ازدحام جمعیت در شهر بحث می‌شود ولی مشکلات آن سوی مهاجرت، یعنی مسائل اجتماعی روستایی و کمبود نیروی انسانی مولد و توسعه‌خواه و پایین بودن کیفیت زندگی در آن مناطق کمتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. درحالی‌که این دو بعد نابرابری (توزیع نامتعادل جمعیت و نابرابری بین شهر و روستا) بسیار اهمیت دارد.

شیخی و طیبی‌نیا (۱۳۹۲) نیز در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر رضایت خانوارهای مهاجر به شهر تهران پرداختند. بر اساس این پژوهش که بر روی ۲۰۰ خانوار مهاجر ساکن در مناطق ۳، ۶، ۱۲ دارای فرزند (ان) بالای ۱۰ سال انجام شده است، رابطه معناداری بین رضایت مهاجران و میزان استفاده از امکانات رفاهی و وضعیت اجتماعی فرزندان وجود دارد. به طوری که هر چه میزان استفاده از امکانات رفاهی (مراکز درمانی، ورزشی، تفریحی، اماکن تغذیه، مراکز خرید) بیشتر و وضعیت فرزندان بیشتر بهبود یافته باشد، مهاجران از مهاجرت به شهر تهران رضایت بیشتری داشته‌اند.

ربانی و ربیعی (۱۳۸۹) نیز در پژوهشی به تحلیل وضعیت غربیگی حاشیه‌نشینان عرب

^۱ Mori

^۲ Desouza

نسبت به اجتماع بزرگ‌تر یعنی ساکنان شهر اصفهان و اهالی محلات مجاور و نیز حاشیه‌نشینان نسبت به یکدیگر پرداختند. بر اساس یافته‌های پژوهش فوق سطح ضعیف اعتماد اجتماعی در محل، ناامن دیدن محل و میزان کم روابط اجتماعی نزدیک و صمیمی، چندپارگی بافت اجتماعی محله عرب‌ها را نشان می‌دهد. نگرش‌های منفی اهالی محلات مجاور به محله عرب‌ها از یک‌سو و فقدان روابط اجتماعی با افراد صاحب پایگاه اجتماعی بالا و قوی بودن هویت قومی در ساکنان از سوی دیگر، بیانگر جدا افتادگی اجتماعی و نه صرفاً جدا افتادگی مکانی و فضایی اهالی محله عرب‌ها از فرایندها و محیط شهری است.

زاهدی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی به سنجش و تبیین طرد اجتماعی مهاجران خارجی (افغان و عراقی) مقیم در شهر اصفهان پرداختند. جامعه آماری شامل خانوارهای مهاجر و غیرمهاجر ساکن در مناطق چهارده‌گانه شهر اصفهان و روش تحقیق نیز از نوع کمی- کیفی بوده است. بر اساس یافته‌ها مهاجران دسترسی کمتری به منابع دارند و در مقایسه با بومی‌ها، تبعیض و طرد اجتماعی شدیدتری را تجربه می‌کنند. با گذشت زمان، نه تنها تبعیض‌های اجتماعی و قومی از بین نرفته است بلکه مهاجران با سکونت در محله‌های محروم، طرد اجتماعی را همراه با طرد فیزیکی تجربه می‌کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش عفتی (۱۳۸۳) نیز مهاجرت‌های فصلی مردان از روستاهای سه استان چهارمحال بختیاری، گلستان و کرمانشاه موجب افزایش میزان کار زنان روستایی، پذیرش نقش‌های جدید، اشتغال کودکان خردسال و افراد مسن به فعالیت‌های کشاورزی و دامداری، افزایش مسئولیت در زمینه‌های مختلف، تغییر روابط خانوادگی، افزایش استقلال زنان، کسب قدرت و اقتدار زنان در خانواده، تغییر شیوه زندگی، تغییر در روند تصمیم‌گیری در خانواده، بروز مشکلات متعدد برای زنان روستایی و وابستگی آن‌ها به شبکه وسیع اقوام، دوستان و همسایگان شده است.

نتایج پژوهش خانی (۱۳۸۳) نیز نشان داد که مهاجرت انفرادی مردان از مناطق روستایی شهرستان بابل و به جا گذاردن خانواده و همسر در روستا موجب می‌شود زنان، مدیریت خانواده و واحد اقتصادی را بر عهده گیرند، اما حاکمیت فرهنگ مردسالار روستا، مانع واگذاری کامل اختیارات به زنان می‌شود. البته غیبت مردان تا حدودی امکان تجربه مدیریت و تصمیم‌گیری را به زنان می‌دهد و با افزایش زمان مهاجرت مردان، قدرت تصمیم‌گیری زنان در امور گوناگون افزایش می‌یابد. با مروری بر مطالعات پیشین مشخص گردید که تا به حال پژوهشی درباره مشکلات مهاجران ترکمن در تهران انجام نشده است. پژوهش حاضر می‌تواند گامی اولیه برای بررسی مسائل مهاجران ترکمن در تهران و ارائه راهکارهایی در این زمینه باشد.

میدان پژوهش

میدان تحقیق در پژوهش حاضر، شهرک اکباتان است. شهرک اکباتان یکی از بزرگ‌ترین و مدرن‌ترین شهرک‌های خاورمیانه است که در غرب تهران و ناحیه شش منطقه ۵ شهرداری

قرار گرفته است. این شهرک به وسعت ۵/۹۴ کیلومتر مربع است و ۴۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد. شهرک اکباتان از سمت شرق به کوی بیمه و شهرک آپادانا، از شمال به اتوبان تهران کرج، از غرب به نمایشگاه صنایع هواپیمایی و از جنوب به بزرگراه شهید لشگری محدود شده است.

شهرک اکباتان به لحاظ تقسیم‌بندی فضایی، از ۳ فاز تشکیل شده است. هر فاز از تعدادی بلوک تشکیل شده و هر بلوک دارای تعدادی ورودی است. هر ورودی از آپارتمان‌های ۵، ۷ و ۱۲ طبقه تشکیل می‌شود. هر یک از ورودی‌ها دارای نگهبان است که علاوه بر نگهبانی نظافت ورودی و پخش نامه‌ها را بر عهده دارد.

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، نگهبان‌های فاز ۳ هستند. فاز ۳ دارای ۳ بلوک است و هر بلوک چندین ورودی دارد. با سؤال از هر یک بلوک‌ها و ورودی‌ها متوجه شدیم که اکثر نگهبان‌های فاز ۳ ترکمن هستند. هیچ اطلاعاتی درباره آن‌ها از جمله تعداد و سال شروع به کار به ثبت نرسیده است. فقط به ما گفته شد که اکثر نگهبان‌های فاز ۳ و ۱ ترکمن‌اند. بدین ترتیب در ابتدا با کمبود اطلاعات دقیق درباره نگهبان‌ها مواجه شدیم. در این پژوهش با استفاده از روش گلوله برفی با تعدادی از اطلاع‌رسانان مصاحبه کردیم. علاوه بر این با همسران آن‌ها نیز مصاحبه‌هایی انجام شد. این گروه اغلب از طایفه گوگلان‌اند و برخی با همسر و فرزند خود زندگی می‌کنند. رابطه خویشاوندی در میان آن‌ها بسیار مستحکم است. مثلاً نگهبان‌های ورودی‌های ۱، ۲ و ۳ عمدتاً خویشاوند و اهل یک روستا هستند. به همین دلیل کمتر احساس تنهایی و غربت می‌کنند. در فصل تابستان در نیمه‌شب نگهبانان پس از اتمام ساعت کاری، در ورودی‌ها با یکدیگر گفتگو می‌کنند و همسران آن‌ها نیز که معمولاً در طول روز دیده نمی‌شوند، در نیمه‌های شب در دسته‌های ۳ الی ۴ نفری در محوطه مشاهده می‌شوند. در این ساعات افراد کمتری در محوطه هستند، از این رو، زنان ترکمن به راحتی به زبان ترکمنی با یکدیگر گفتگو می‌کنند.

روش پژوهش

در بررسی حاضر، روش پژوهش کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته و مشاهده مشارکتی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاضر، حاصل مصاحبه با ۹ نفر و چندین مشاهده است. برخی از ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در جدول شماره ۱ بیان شده است. برای تحلیل اطلاعات، روش تحلیل موضوعی^۱ مورد استفاده قرار گرفته است. در تحلیل موضوعی یا تماتیک، مقوله‌ها از طریق مطالعه دقیق داده‌ها شناسایی می‌شود (فردی و کوکران^۲، ۲۰۰۶: ۴). این فرایند شامل رفت‌وبرگشت مداوم بین مجموعه داده‌ها، مفاهیم، مقولات و تجزیه و تحلیل آن‌ها است. پژوهشگر به جمع‌آوری داده‌ها، پیاده کردن و مرور آن‌ها می‌پردازد و ایده‌های اولیه را مورد

^۱ thematic

^۲ Fereday & Cochrane

روابط و تعاملات خانوادگی و فAMILI

نگهبانان مقیم در شهرک اکباتان عمدتاً به دور از همسر و فرزندان در تهران زندگی می‌کنند و هر از گاهی برای دیدن خانواده به روستا می‌روند یا اینکه اعضای خانواده (به تعداد محدود) برای مدتی (به ویژه در فصل تابستان) به تهران می‌آیند. یکی از عواملی که مانع حضور مستمر همسر و فرزندان در کنار نگهبان می‌شود، ممانعت نمایندگان ساختمان‌های مسکونی شهرک اکباتان است. نگهبانان فقط اجازه دارند همراه با همسر و یک فرزند در شهرک زندگی کنند. در صورتی که تعداد فرزندان از یک نفر بیشتر شود، همسر و فرزندان باید به روستا برگردند؛ بنابراین تولد فرزند دوم و ... را به سال‌ها بعد موکول می‌کنند. عامل دیگر، محدودیت فضای محل زندگی نگهبانان و شرایط نامساعد آن است. آن‌ها در اتاقی با مساحت حدود ۷ متر (۱ متر و ۲۰ سانتی‌متر در ۶ متر) زیر پله‌ها زندگی می‌کنند که عملاً گذران زندگی همراه با اعضای خانواده را دشوار می‌کند. مساحت آشپزخانه نیز که در مجاورت اتاق مذکور قرار دارد، ۵ متر است. نگهبانان برای حمام به محل نگهداری زباله‌ها مراجعه می‌کنند. در این فضا که بسیار آلوده و متعفن است، دوش‌هایی تعبیه شده است. به گفته یکی از نگهبانان، ۱۲ متر برای زندگی ۴ نفر کم است. مهاجران در شهرستان مبدأ در خانه‌هایی با متراژ بالا زندگی می‌کنند و تحمل زندگی در چنین فضای کوچکی بسیار برایشان دشوار است.

«من اینجا تنها زندگی می‌کنم و در حال رفت‌وآمد هستم. خانم من از ۱۲ ماه، ۲ ماهش اینجاست. مشکل ما، دوری و جدایی دیگه. دوری از خانواده. خانواده که باشه پیشت، دیگه مشکلی نیست. الان بچه‌ام کوچکه، همش زنگ میزنه. همش میره بیرون تو حیاط، من را صدا می‌کنه. فکر می‌کنه من آنجا هستم. چون ماهی ۴ روز میرم و من را می‌بینه، فکر می‌کنه همیشه آنجا هستم. بعد میام تهران. تلفن هم که می‌زنم باور نمی‌کنه، ناراحت میشه. بچه است دیگه نمی‌فهمه، این مشکلات را داریم دیگه. چندین سال که اینجا این طوری زندگی می‌کنیم» (اطلاعرسان ۱)

«والا همه خانم‌ها می‌خواهند بیان اینجا پیش شوهرشان باشند، ولی بعضی شوهرها هستند که نمی‌خواهند خانم بیاد اینجا. از اینجا خوششان نمیاد» (اطلاعرسان ۴).

«این هست، ولی شاید نماینده هم نگذاره. بیشتر نماینده گیر میده. میگه نمی‌خواد خانمت بیاد. همین آقای (۱) دلش می‌خواد زنش بیاره، ولی نماینده‌اش، ساکنینش نمی‌گذارند. گیر میدن. میگن بچه داره، سر و صدا می‌کنه. زنش هم دلش می‌خواد پیش شوهرش باشه، زندگی کنه، ولی نمی‌گذارند. دو تا بچه که داشته باشی، اصلاً نمی‌گذارن اینجا. همین یکی کافی است. آنجا [روستا] سخت‌تنها. اگر پیش شوهرت باشی خوبه» (اطلاعرسان ۳).

«ساکنین ناراحت می‌شوند. ورودی روبه‌روی خودم یک بچه داشت. سال بعد بچه دوم آورد. ساکنین گفتند او بره، ما نمی‌خواهیم شما را. بچه هی میاد بیرون. ساکنین دوست ندارند. میگن جلوی چشم شلوغ میشه. یا نگهبان مجرد می‌گذارند. اگر متأهل هم باشد، فقط با ۱ بچه. بیشتر از ۱ بچه نمی‌شود» (اطلاع‌رسان ۲).

«واسه همین دومین بچه را اینجا نمیاره تا خوب پس‌انداز کنه، از اینجا بره شهرستان، برای همیشه با شوهرش بره. آنجا یکی دیگه را میاره... اینجا بیشترشان اصلاً بچه نمیارن. اگر بیارن، چند سال بعد میارن. یکی میارن. اگر بیشتر بیارن، باید از اینجا برن. ولی تو شهرستان، یکی، دو تا، سه تا، چهار تا میارن. پشت هم میارن. یک سال نشده، بعدی را میارن» (اطلاع‌رسان ۳).

نبود مرد خانواده در روستا مشکلاتی را برای همسر و فرزندان به وجود می‌آورد. دل‌تنگی آن‌ها برای همدیگر مهم‌ترین مشکل است. یکی دیگر از مشکلات این است که در روستا امکان خروج زن ترکمن از منزل بدون همسر مهیا نیست و به محض خروج از منزل (برای خرید و تهیه ملزومات خانه) با مخالفت سایرین (مادرشوهر و دیگران) مواجه می‌شود. مشکلات ناشی از نبود مرد خانواده گاهی موجب می‌شود که اعضای خانواده بر برگشت او به روستا اصرار کنند.

«بیشتر سخت میشه براشون. بچه هم داشته باشن، خیلی سخت میشه اختلافات زیاد میشه. به شوهرشان میگن بیا اینجا. نمی‌خواد آنجا کار کنی. چون شوهرش نیست، مادرشوهرش سخت می‌گیرن، نمی‌توانند تنهایی برن جای. مادرشوهر میگن شوهرت نیست، کجا میری تنهایی. سخت میشه براشون. دوستم میگه نمی‌تونم برم خرید. نمی‌تونم برم خانه دوستم. میگه کجا میری. تنهایی فلان. خلاصه از شون ایراد میگیرن. تنهایی هم مشکل دیگه هست» (اطلاع‌رسان).

پیوند و علاقه ترکمن‌ها با اقوامشان بسیار زیاد است. ترکمن‌ها به ویژه همسران نگهبانان، برای رفع دل‌تنگی و دیدن اقوام، مدام در حال رفت‌وآمد از تهران به روستا هستند. محدودیت فضای محل اقامت ترکمن‌ها در شهرک نیز مانع از حضور اقوامشان برای مهمانی و دیدوبازدید می‌شود.

«اینجا که هستیم، دل‌تنگی‌مان بیشتر میشه. اگر باهاشون تلفنی حرف بزنیم، دل‌تنگی‌مان خیلی بیشتر میشه. دل‌مان می‌خواد بریم آنجا پیش آن‌ها [اقوام] باشیم. الان بعضی موقع‌ها خودم هم به شوهرم میگم بریم شهرستان. دل‌تنگ میشه آدم. آنجا خانه داریم، زندگی داریم» (اطلاع‌رسان ۳).

«الآن آن‌ها نمی‌توانند بیان. می‌گن جاتون تنگ، اگر بیان هم یک روز میان. دیگه نمی‌خوابن. اصلاً جا نمیشه، می‌گن جاتون تنگ آره، یک اتاق کوچک هم آن طرف داریم، زیر پله است. اگر بلند بشین سرتان می‌خوره به سقف. اینجا خوبه باز. اینجا آشپزخانه‌اش» (اطلاع‌رسان ۳).

«آدم خجالت می‌کشه. مهمان بیاد جامون کوچک، حمام و دستشویی درست و حسابی نداریم. ساکنان ما را می‌بینند که چند نفر با هم تو یک اتاق نشستیم. خوب آدم خجالت می‌کشه» (اطلاع‌رسان ۹).

روابط ترکمن‌ها با یکدیگر (در شهرک اکباتان)

ترکمن‌های ساکن در شهرک که عمدتاً از چند روستای خاص هستند، پیوند و ارتباط با یکدیگر را در شهرک حفظ کرده‌اند و وجودشان در کنار هم موجب می‌شود کمتر احساس غربت کنند. از آنجایی که فضای محل اقامت محدود است، عمدتاً در محوطه یا کنار درب ورودی منزل، به تعامل و گفتگو با یکدیگر می‌پردازند. البته به منظور اجتناب از ناراحتی ساکنین ساختمان (در اثر تجمع در کنار درب ورودی منزل و شلوغی راهرو) و اعتراض نمایندگان ساختمان‌ها، تعاملات آن‌ها عمدتاً در محوطه روی نیمکت‌ها صورت می‌گیرد. گفتگوی زنان ترکمن با یکدیگر عمده‌ترین فعالیت آن‌ها در زمان فراغت است. تماشای تلویزیون، دوخت لباس سنتی ترکمن و گلدوزی از دیگر فعالیت‌های فراغتی است که همراه با سایر زنان ترکمن در حین صحبت با یکدیگر انجام می‌شود.

«خانم‌ها! اینجا باشند، رفت‌وآمد داریم، میریم و میایم. خانم‌ها با هم هم‌صحبت‌اند» (اطلاع‌رسان ۱).

«ولی خیلی پیش هم مرتب نمی‌شینند. جا که نیست بشینند کنار هم» (اطلاع‌رسان ۲).

«همین تو محوطه باید بشینند، تو اتاق که جا نیست. کوچک. خودشان جا نمیشن، چهار تا مهمان هم که بیاد دیگه هیچی دیگه» (اطلاع‌رسان ۱).

«آخه باید بشینند پشت در ورودی. بیشتر ساکنین هم ناراحت میشن که فضا شلوغ بشه. به همین خاطر خیلی خانه هم نمیرن» (اطلاع‌رسان ۲).

«میان روی نیمکت می‌نشینند ۱ ساعت با هم صحبت می‌کنند. روبروی ورودی خودشان می‌نشینند یک چای هم دم می‌کنند می‌خورند» (اطلاع‌رسان ۱).

«دوست ترکمنی دارم، ولی چون جام تنگه، نمیان» (اطلاع‌رسان ۶).

«اگر اینجا ترکمنی ببینیم، زیاد میریم و میایم. باهاش آشنا میشیم. تنهایم دیگه. هیچ جا که نمی‌تونیم بریم» (اطلاع‌رسان ۴).

روابط و تعاملات ترکمن‌ها با سایر اعضای جامعه

همسران نگهبانان ترکمن روابط و تعاملات محدودی با سایر اعضای جامعه دارند. یکی از دلایل عدم تسلط به زبان فارسی و شرم ناشی از آن است. عامل دیگر توجه سایر اعضای جامعه به آن‌ها به دلیل پوشش متفاوتشان است. زنان لباس محلی خود را بر تن دارند و به همین دلیل مورد توجه سایرین قرار می‌گیرند. نگهبانان ترکمن عمدتاً شب‌ها (ساعت ۱۱ به بعد) همراه با همسر و فرزند خود در محوطه شهرک مشاهده می‌شوند. بدین ترتیب زنان ترکمن فقط شب‌ها دیده می‌شوند. آن‌ها تمایلی ندارند که در طول روز در مقابل دیدگان دیگران قرار گیرند.

«نمی‌تونم فارسی درست حرف بزنم. دوست دارم فارسی‌ام خوب بشه. چون نمی‌تونم فارسی درست حرف بزنم، اصلاً هیچ جا نمیرم. زیاد هم صحبت نمی‌شیم. چون زیاد درست حرف نمی‌زنم، فارسی نمی‌تونم حرف بزنم، برای همین خجالت می‌کشم. با خودم میگم ایرادی نگیرن [از حرف زدن من]» (اطلاع‌رسان ۳).

«[ارتباط با دیگران] یکم سخته، زبانمون فرق می‌کنه، یک دفعه می‌بینم که گیر می‌کنم تو فارسی حرف زدن» (اطلاع‌رسان ۶).

«ما درس که نمی‌خوانیم. همین ۵ ابتدایی، همین کافی می‌دانند. نمی‌فرستند دیگه. واسه همین آدم خجالتی میشه، نمی‌تونیم با یکی هم صحبت بشیم، وگرنه دوست دارم با یکی هم صحبت بشم، من هم فارسیم خوب بشه، چون من زیاد فارسی بلد نیستم، خجالت می‌کشم با یکی از ساکنین هم صحبت بشم. بعضی کلمات را فارسی بلد نیستم تا بهشان بگم. بعد باهاشون نمی‌تونم رفت‌وآمد کنم» (اطلاع‌رسان ۴).

«ما اگر بیرون هم بریم با همین لباس میریم. نگاه می‌کنند. میگن از این لباس‌ها پوشیدند» (اطلاع‌رسان ۳).

«نگاه می‌کنند. میگن چه لباسی پوشیده. مانتو نمی‌پوشیم» (اطلاع‌رسان ۴).
 «با لباس ترکمن میام بیرون، به چشم میام، اگر مانتو شلوار بپوشیم، همشهری‌هامون برامون حرف درمیارن... [ساکنان شهرک] بعضی‌ها مغرورند، بعضی‌ها خوش‌اخلاق‌اند، اما در حدشون ما را نمی‌بینند که با ما دوست بشن» (اطلاع‌رسان ۶).

علاوه بر این، احساس فرودستی ترکمن‌ها نسبت به برخی و حس طرد شدن از سوی آن‌ها (به دلیل نوع نگاه و نوع صحبت کردن)، نگرانی و ترس از احتمال نبود امنیت در فضای بیرون از خانه، نگرانی از حرف درآوردن اقوام (در اثر خروج زن از خانه به تنهایی و بدون همسر)، نگرانی از گم شدن، باور به عدم توانایی یافتن آدرس و مسیر و غیره از جمله عوامل دیگری است که مانع حضور زنان ترکمن در فضای بیرون از خانه می‌شود.

«اینجا کلاس خیاطی نزدیک نیست. دور. من هم تنهایی که نمی‌توانم برم. ما نمی‌تونیم تنهایی جایی بریم» (اطلاع‌رسان ۴).

«ما همین پایین نمی‌تونیم بریم. نمی‌تونیم بریم بازارچه شهرک. ما اینجا بدی ندیدیم. ولی خودمان زیاد بیرون نمیریم. می‌ترسیم. از بس شهرستان خودمان ناامنی دیدیم، واسه همین می‌ترسیم. ترس ما از همان جاست» (اطلاع‌رسان ۳)
«حرف هم می‌زنند. میگن زن یکی، تنهایی رفته جایی. بد می‌دانند. واسه همین زیاد خودمان نمیریم بیرون» (اطلاع‌رسان ۴)

«اصلاً تا به حال مترو سوار نشدیم. شوهرم میگه شما در مترو گم میشید میگه اگر با هم بریم مترو، مرد و زن جداست، شما گم میشین. ما که پیاده می‌شیم، شما می‌مانید. واسه همین زیاد با مترو مهمانی نمیریم» (اطلاع‌رسان ۳)

«رسم ما نیست که زن‌ها تنها برن بیرون [بیرون از شهرک]» (اطلاع‌رسان ۱)
«شوهرمان اجازه میدن داخل شهرک خرید برویم، ولی تا حالا که نرفتیم، می‌ترسیم بریم» (اطلاع‌رسان ۴).

«اینجا تو شهر غریبیم. بیرون نمیریم. اگر بریم هم با شوهرمان میریم. با هم میریم. تنهایی نمیریم» (اطلاع‌رسان ۳).

مشکلات شغلی

مهم‌ترین مشکل نگهداران ترکمن، درآمد کم، فقدان امنیت شغلی و عدم برخورداری از بیمه است. از آنجایی که درآمد حاصل از نگهداری (۷۴۰ هزار تومان در ماه در سال ۱۳۹۴) برای گذران زندگی‌شان کفایت نمی‌کند، آن‌ها گاهی (عمدتاً به طور پنهانی) به نظافت خانه‌ها (در بیرون شهرک) نیز می‌پردازند تا درآمد مکملی کسب کنند. البته عمده‌تاً در زمان استراحت (ساعت ۱-۴ بعدازظهر) و در صورتی که در نبود شوهر، همسرش حضور داشته باشد تا در صورت نیاز، پاسخگوی ساکنان ساختمان و انجام امور محوله باشد. شایان ذکر است که برخی از نگهداران ترکمن در این خصوص نیز نگرانی‌هایی دارند. آن‌ها نگران تنها ماندن همسر در صورت غیبتشان هستند و فقط در صورتی شهرک را ترک می‌کنند که یکی از زنان ترکمن (عمده‌تاً اقوام که در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کنند) حضور داشته باشد و چند ساعت را نزد همسر نگهدار سپری کند.

«الآن چندساله داریم کار می‌کنیم، فقط خوردوخوراک میشه، اصلاً نتونستیم چیزی جمع کنیم» (اطلاع‌رسان ۶).

«آنجا [شهرستان] اگر ۵۰۰ تومان درآمد داشته باشم از اینجا میرم، ۵۰۰ تومان آنجا از یک میلیون اینجا بهتره» (اطلاع‌رسان ۱)
«نمایندهاش زیاد بهش گیر میده. نگرانی تو همه هست که یک وقت کارمان از ما بگیرن» (اطلاع‌رسان ۵)

«یکی از نگرانی‌های ما همین. [ساکنان] ۴۰ نفرند. هر کسی ۱ ساز می‌زند. ما ۴۰ تا کارفرما داریم» (اطلاع‌رسان ۱)

«ما بیشتر از هیئت‌مدیره می‌ترسیم. همین عید امسال جلسه گذاشتند. نماینده‌های هر ساختمان را خواستند. گفتند نگهبان‌ها باید برن از اینجا و فقط ۳، ۴ نفرشان باشند» (اطلاع‌رسان ۲)

«نماینده‌ها آنجا از ما دفاع کردند. گفتند ما نگهبان می‌خواهیم. الآن بلوک دیگری این‌طوری است. چند تا نگهبان‌ها را بیرون کردند. نگهبان ندارند. ۳، ۴ نفر را گرفتند، این‌ها چرخشی‌اند دیگه. دارند ورودی را نظافت می‌کنند. دوربین گذاشتند، به جای ۱۸ نگهبان، کلاً ۳، ۴ نفر هستند. ۸ ساعت دور می‌زنند و کلاً نظافت می‌کنند. از لحاظ کاری ما اصلاً امنیت نداریم» (اطلاع‌رسان ۱)

«این‌ها بیمه نیستند، نگرانی بیشتر میشه. بیمه هم باشی نگرانی داری. بیمه نباشی هم همین‌طور» (اطلاع‌رسان ۳)

«اگر ... بیکار هم بشه، ۲ سال حق بیکاری می‌گیره دیگه. ولی من یک روز هم بیمه ندارم. غیر از من هر کسی بود، الآن بازنشست می‌شد. ۴ سال، ۵ سال دیگه بازنشست می‌شد» (اطلاع‌رسان ۱)

«ولی اگر کار داشته باشه، میگه شوهرت کجاست من هم نمیگم سر کار [نظافت منازل] رفته. میگم الآن میاد، رفته نان بخره. اگر بگم، بیشتر گیر می‌ده. میگه چرا رفتی. گیر میدن دیگه. میگه وقت استراحتش تمام شده، باید از ۴ به بعد اینجا باشه» (اطلاع‌رسان ۳)

«بیشتر نماینده‌ها گیر میدن. واسه کار که اصلاً اجازه نمیدن برن بیرون. گیر میدن. میگن برای چی رفتی، بهت گفتم اینجا بشین همین‌طوری» (اطلاع‌رسان ۳)

«اگر نماینده اجازه داد، مشکلی پیش نمیاد. الآن مثلاً نگهبان آن ورودی، نماینده‌اش اجازه نمیده، با ۴۰۰ تومان داره با زن و بچه زندگی می‌کنه. برایش صرف نمی‌کنه» (اطلاع‌رسان ۲)

«یک چیز دیگه هم این. مثلاً من خودم که می‌خواهم برم جایی کار کنم [نظافت] نگران هستم که خانمم تنه‌است. می‌ترسم که خانمم ول کنم. زنگ می‌زنم به داداشم که خانمش بیاد اینجا. داداشم نگهبان ساختمان ... هیچ جا که وطن خود آدم نمیشه، آدم نگرانی را داره» (اطلاع‌رسان ۱).

«چند سال قبل یکی از نگهبان‌ها خانمش را می‌گذاره ورودی، خودش میره کار کنه [نظافت] خودش که میره بیرون، ۱ ساعت دیگه، یک آقایی از بیرون میاد به خانمش تجاوز می‌کنه. خوب این نگرانی ماست. خانم هم بنده خدا یکی دو ماه حامله بود، بچه‌اش هم می‌افته. بعد جدا شدند. شوهرش طلاق داد. دیگه نتوانست تحمل کنه آن مرد هم رفت زندان ترس داره دیگه» (اطلاع‌رسان ۲).

نکته دیگر این است که برای ترکمن‌ها امکان ترک شهرک، حتی در زمان استراحت فراهم نیست. آن‌ها نگران هستند که در صورت غیبت از محل کار (به منظور تفریح، مهمانی و موارد دیگر) واقعه‌ای برای ساختمان پیش آید که موجبات از دست دادن شغلشان را فراهم کند.

«وقتی بیرون هم میریم، دلمان اینجاست زود برمی‌گردیم. ۱ ساعت میریم»
(اطلاع‌رسان ۴)

«شوهرم می‌گه مثلاً اگر دو تایی بریم بیرون، یک اتفاقی بیفته، گردن ماست. یک شیشه‌ای بشکنه، باید خرجش ما بدیم. واسه همین زیاد نمیریم بیرون. ۱۰ شب به بعد، وقت استراحت ماست. ولی اگر در آن ساعت مسئله‌ای پیش بیاد، می‌گن کجا رفتی، باید باشی، کجا رفتی» (اطلاع‌رسان ۳)

در مجموع اطلاع‌رسانان با توجه به مشکلات مذکور (کوچکی فضای محل زندگی، دوری از خانواده و اقوام، احساس غربت) از زندگی در تهران چندان رضایت ندارند و آرزوی بازگشت به روستای محل زندگی را در سر می‌پروراند. آن‌ها در اینجا پس‌انداز می‌کنند تا زندگی خود در روستا را بسازند.

«از اینجا خسته شدیم. دلمان می‌خواهد آنجا باشیم. ولی آنجا کار نیست. واسه همین مجبوریم اینجا باشیم. الان بعضی موقع‌ها خودم هم بهش می‌گم بریم شهرستان. دل‌تنگ میشه آدم. آنجا خانه داریم، زندگی داریم... ولی آنجا کاری نیست. هیچی نیست. همین پس‌انداز را هم آنجا خرج کنی، بعد چه کار کنی. واسه همین اینجا زندگی می‌کنیم» (اطلاع‌رسان ۳)

«اگر خونمون را بسازیم از اینجا می‌رویم، باید اینجا پول جمع کنیم تا بتوانیم خونمون را بسازیم. شوهرم آرزوش اینکه خونمون بسازیم و یک ماشین داشته باشه تو شهرستان، یک خواربارفروشی یا هر چی باز کنه» (اطلاع‌رسان ۶)

«تا وقتی اینجا می‌مانیم که یک پولی جمع کنیم بتوانیم آنجا کشاورزی کنیم. یک لحظه هم دوست ندارم اینجا باشم» (اطلاع‌رسان ۹)

فرصت‌های ناشی از مهاجرت

در کنار مشکلات یادشده، فرصت‌هایی نیز پیش روی مهاجران ترکمن قرار گرفته است. آن‌ها در مصاحبه‌ها به بیان برخی از فرصت‌ها نیز پرداختند. اولین و مهم‌ترین مورد، اشتغال به کار (نگهبانی ساختمان) است. آن‌ها از نبود کار در شهرستان محل تولد خود سخن می‌گفتند. امکان کارگری به صورت روزمزدی با حقوق بسیار نازل در شهرستان وجود دارد اما در آنجا به طور مستمر به کارگر نیاز نیست و گاهی اوقات ممکن است چندین روز بیکار باشند. از آنجایی که نگهبانی، شغلی ثابت و دارای درآمد ماهیانه (هرچند ناکافی) است، در مقایسه با

کار روزمزدی (بی‌ثبات و غیرمستمر) در شهرستان، اطمینان خاطر بیشتری برای نگهبانان فراهم می‌کند. برخی از نگهبانان در تهران علاوه بر نگهبانی، به نظافت منازل (امور دیگر مانند اسباب‌کشی) نیز می‌پردازند و بدین ترتیب درآمد مکملی کسب می‌کنند. همسران نگهبانان مذکور می‌توانند در زمان غیبت شوهر، جوابگوی ساکنان ساختمان باشند که می‌توان این امکان جایگزینی را نیز فرصتی تلقی کرد. نکته بعد میزان درآمد حاصل از اشتغال در تهران در مقایسه با درآمد (اندک) حاصل از کارگری (در صورت وجود) در شهرستان محل تولدشان است. برای برخی خانم‌ها نیز فرصت‌های اندکی برای اشتغال وجود دارد. برای مثال یکی از خانم‌های ترکمن از استقبال یکی از ساکنان شهرک اکباتان از گلدوزی ترکمنی و درخواست او برای گلدوزی لباسش سخن می‌گفت. تعداد بسیار معدودی از خانم‌های ترکمن نیز کار نظافت منازل را انجام می‌دهند و از طرف همسر با مخالفتی در این خصوص مواجه نیستند.

«حقوقش اولاً، اول حقوقش. الآن شما آنجا بخوای کار کنی، صبح باید ساعت ۸ بروی تا ساعت ۵. به شما ۳۰ هزار تومان میدن. تازه همیشه هم نیست. یک روز کار هست، سه روز کار نیست. اینجا الآن من ساعت ۱۰ بیدار شدم. من ساعت ۱۰ برم [نظافت منازل] تا ساعت ۲، نزدیک ۶۰، ۷۰ هزار تومان می‌گیرم. این خیلی مزایاست برای من. من استراحت هم می‌توانم بکنم» (اطلاع‌رسان ۲)

«اینجا میریم تو خانه هم کار [نظافت] می‌کنیم، داخل یا بیرون شهرک. الآن خیلی‌ها هستند، خانم میارن برای نظافت، صبح تا شب کار می‌کند، ۵۰ تومان، ۶۰ تومان می‌گیرد. ما اگر بریم تو خانه کار کنیم، حداقل ۱۰۰ تومان می‌گیریم در یک روز. می‌گویم من این کارها را انجام می‌دهم در یک روز، ۱۰۰ تومان می‌گیرم» (اطلاع‌رسان ۱)

«چون هم انرژی من بیشتر، هم مرد هستم، فعالیت‌م هم بیشتر. من زودتر از خانم کارهایم را انجام می‌دهم. طی می‌کنم من که برم، خانم اینجا [جانشین من] هست» (اطلاع‌رسان ۲)

«بچه‌هایت [خانمت] که باشد، خیالت راحت است. [با خیال راحت نظافت منازل می‌روم] یک وقت پستی بیاد، پاکتی بگیرد یا آسانسور خراب بشه، زنگ می‌زنه به مسئولش میاد درست می‌کنه، بچه‌ها باشند راحتی» (اطلاع‌رسان ۱)

فرصت دیگر برای نگهبانان ترکمن این است که می‌توانند در صورت تمایل به مراجعه به روستا (به ویژه در ایام عید قربان و عید فطر که حضورشان در مراسم الزامی است) فرد دیگری را چند روزی به جای خود در سمت نگهبانی ساختمان بگمارند. آن‌ها عمدتاً فردی از اقوام خود را برای این کار انتخاب می‌کنند زیرا به اعتقاد آن‌ها انتخاب افراد غیرفامیل می‌تواند موجبات از دست رفتن شغلشان را فراهم کند.

«ترکمن می‌گذاریم. از فامیل خودمان. از روستا می‌آیند و می‌مانند. اگر یکی دیگه (غیرترکمن) را بگذاریم، می‌گن نگهبان قبلی خیلی بد. پشت سرش به نماینده و ساکنین حرف می‌زنند. واسه همین یک نگهبان فامیل می‌گذاریم. نگرانیم که به خاطر این حرف‌ها کارمان را از دست بدیم» (اطلاع‌رسان ۴)

آن‌ها در سال از یک ماه مرخصی برخوردارند و در صورت داشتن جایگزین، می‌توانند مدت زمان بیشتری مرخصی داشته باشند.

«بعضی‌ها یک ماه مرخصی‌شان را می‌روند. اگر باز هم خواستند مرخصی بروند، [فردی] را جایگزین می‌کنند و مرخصی می‌روند و خودشان به آن فرد حقوق می‌دهند. من هر ماه مرخصی می‌روم. چهار روز در هر ماه؛ اما ... که میره مرخصی، کسی را جایگزین خودش می‌کند و خودش پولش را می‌دهد. زیاد مرخصی بره، از جیب خودش می‌گذارد. بیشتر از یک ماه مرخصی بخواهیم برویم، باید از جیب خودمان بگذاریم یا اینکه از حقوقمان کم می‌شود، وقتی کسی را جایگزین نگذاریم» (اطلاع‌رسان ۱)

آن‌ها عدم پرداخت هزینه آب، برق و گاز در تهران؛ دسترسی به امکانات درمانی (در مقایسه با شهرستان که در آن باید مسافت بسیار طولانی را تا مرکز درمانی طی کنند)؛ برخورداری از هوای بهتر در تهران در مقایسه با شهرستان (که به گفته آن‌ها هوای بسیار گرمی دارد)؛ آرامش بیشتر (در اثر دوری از تنش‌ها و نزاع‌های خانوادگی) را از دیگر فرصت‌های زندگی در شهر تهران می‌دانند.

نتیجه‌گیری

ترکمن‌های مورد مطالعه بسیار بر حفظ عناصر قومیت خود تأکید داشتند و این عناصر قومیتی، نقش مهمی را در حفظ هویت و بهره‌مندی آن‌ها از شبکه حمایتی ترکمن‌ها فراهم می‌کند. اطلاع‌رسانان با وجود مهاجرت به تهران، خواهان حفظ ارزش‌ها و قواعد رفتاری خاص ترکمن و شیوه زندگی قبلی خود هستند. تعداد مهاجران ترکمن در شهرک اکباتان زیاد است و این وضعیت آن‌ها را به هم نزدیک می‌کند. مهاجران همشهری‌ها و هم‌روستایی‌هایی خود را به اینجا آوردند که این کار در تشدید مقاومت در برابر جلوه‌های نوین زندگی در تهران و تداوم حاکمیت هنجارهای زندگی ترکمن مؤثر است. اطلاع‌رسانان آرزوی بازگشت به روستا را دارند و یگانه عاملی که در ماندگاری آن‌ها در تهران مؤثر است، اشتغال به کاری است که درآمد آن در مقایسه با درآمد کارگری (روزمزدی) در شهرستان محل تولدشان بیشتر است.

روستا و شهر یک کل واحد را تشکیل می‌دهد که از طریق پیوندها و روابط متقابل بر هم اثر می‌گذارند. اگر به روستا توجه نشود علاوه بر روستا در شهر نیز بحران پدید می‌آید.

مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها، خالی از سکنه شدن روستاها، رشد بی‌رویه شهرها، تراکم نیازها در شهرها، کمبود امکانات و منابع خدماتی در شهر برای این جمعیت اضافه‌شده، برخی از مسائل مشهود در این حوزه است (جمعه‌پور، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷). هر چه توسعه شهری (بدون توجه به توسعه روستایی) بیشتر مورد توجه باشد، افراد بیشتری از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند و وضعیت هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی برای مردم فقیر بدتر می‌شود و در نتیجه فقر روستایی به شهر نیز سرایت می‌کند (دیاس و ویکرامانایک، ۱۳۷۷: ۵۵). موکرجی (۲۰۰۶) محقق هندی که به مطالعه مهاجرت از روستا به شهر در منطقه اسکاپ^۱ پرداخته، مهاجرت روستایی به شهر را در واقع جابه‌جایی فقر روستایی به فقر شهری دانسته است (نقل از ارشاد و مینا، ۱۳۸۹). بدیهی است که راه‌حل مشکلات روستاییان در شهرها نیست، بلکه در خود روستاهاست و با برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر مطلوب می‌توان گام‌هایی برای پیشبرد توسعه برداشت. رشد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی (گردشگری، صنایع روستایی و غیره)، تقویت مهارت‌ها و توانایی‌های روستاییان و ... برخی از تمهیدات در این زمینه است.

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر همگی اذعان داشتند که اگر در روستای محل زندگی خود از زمین برخوردار بودند، به کشاورزی می‌پرداختند. برخی نیز از عدم دسترسی به آب و کم‌آبی روستا سخن می‌گفتند. انجام اقداماتی برای رونق‌بخش کشاورزی و بهره‌برداری بهینه از آب سودمند است. همچنین در صورتی که زمینه مساعد باشد، انجام اقداماتی برای گسترش صنایع روستایی (تبدیلی و تکمیلی) کوچک‌مقیاس متناسب با وضعیت بومی روستا و در پیوند با بخش کشاورزی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. این نوع صنایع هم به سرمایه زیاد و نیروی کار بسیار ماهر نیاز ندارد و هم در حمایت از محصولات کشاورزان، تقویت اقتصاد روستا، افزایش سطح و تنوع محصولات، حفظ اراضی کشاورزی، رشد اشتغال و درآمد بسیار مؤثر است. البته در استقرار این صنایع، مکان‌یابی مناسب اهمیت دارد، به طوری که ضمن دسترسی به مواد اولیه، بازار مصرف، راه‌های ارتباطی و ... در اراضی کشاورزی مرغوب واقع نشوند. همچنین ارائه آموزش به روستاییان (در زمینه روش صحیح استفاده از سموم، کنترل بیولوژیک آفات و ...) به منظور فراهم شدن زمینه برای مشارکت آن‌ها در تحقق پایداری زیست‌محیطی ضرورت دارد.

بسیاری از جذابیت‌های گردشگری مانند جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی در دل نواحی روستایی وجود دارد که از ظرفیت بسیاری برای ایجاد فرصت‌های شغلی مرتبط با صنعت گردشگری برخوردار است. ضرورت دارد تدوین برنامه‌هایی با مشارکت خود روستاییان برای گسترش و توسعه گردشگری در نواحی روستایی، معرفی جاذبه‌های گردشگری روستایی در سطح ملی و بین‌المللی، افزایش کیفیت خدمات در مناطق، رشد

^۱ ESCAP کمیسیون اقتصادی و اجتماعی کشورهای آسیا و منطقه اقیانوس آرام

مهارت‌های افراد متقاضی اشتغال در این بخش، افزایش تنوع محصولات گردشگری روستایی و توجه به اصول توسعه پایدار در برنامه‌ریزی برای گردشگری مورد توجه قرار گیرد. در نهایت می‌توان گفت علاوه بر انجام اقداماتی برای رونق‌بخش کشاورزی و غیرکشاورزی که نقش مهمی را در ایجاد فرصت‌های شغلی برای روستاییان دارد، توجه به تأمین سایر مؤلفه‌های رفاهی برای نواحی روستایی نیز دارای اهمیت بسیاری است.

منابع

- ارشاد، فرهنگ و مینا، صدف (۱۳۸۹). «مهاجرت، نابرابری و پیامدهای آن». *تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی*، ۴(۵۹)، ۵۹-۹۲.
- جعفری‌نیا و بذرافشان (۱۳۹۰). «بررسی نقش عوامل فرهنگی در رضایتمندی از مهاجرت مطالعه موردی شهر ایلام». *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۸، ۲۹-۵۴.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها* (چاپ پنجم)، تهران: سمت.
- خانی، فضیله (۱۳۸۳). «پیامد مهاجرت انفرادی مردان بر کارکرد زنان در مناطق روستایی». *فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، ۴، ۱۴۹-۱۷۶.
- دیاس، هیران دی و ویکرامانایک، دی. دلیبو. ای. (۱۳۷۷). *درس‌نامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی*، (چاپ دوم)، ترجمه ناصر فرید، تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- ربانی، رسول و ربیعی، کامران (۱۳۸۹). «حاشیه‌نشینی و فضای شهری: بازتولید اجتماع غریبه‌ها؛ مطالعه موردی: محله عرب‌های ملک شهر اصفهان». *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۳)، ۴۳-۶۳.
- رجایی، سید عباس و صحنه، بهمن (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های مهاجرتی در تهران؛ مطالعه موردی: رامشه‌ای‌های مقیم تهران». *آمایش جغرافیایی فضا*، ۵(۱۸)، ۴۷-۶۳.
- زاهدی، محمدجواد، انصاری، ابراهیم، ملکی، امیر، حمیدیان، اکرم (۱۳۹۴). «سنجش و تبیین طرد اجتماعی مهاجران خارجی در کلان‌شهر اصفهان». *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۶(۱۷)، ۵۷-۸۸.
- شیخی، محمدتقی و طیبی‌نیا، مهری‌السادات (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر رضایتمندی خانوارهای مهاجر به شهر تهران». *علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۰، ۱۴۷-۱۷۱.
- عفتی، محمد (۱۳۸۳). «بررسی آثار مهاجرت‌های فصلی مردان بر فعالیت‌های زنان روستایی». *فصلنامه روستا و توسعه*، ۷(۳)، ۴۱-۸۴.
- کاظمی‌پور، شهبلا و قاسمی اردبائی، علی (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های کاری از استان آذربایجان شرقی به استان تهران». *فصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۱(۲)، ۱۱۷-۱۳۵.
- میرلطیفی، محمودرضا، بندانی، میثم، شهرک، سعیده، بردبار گلوی، اعظم (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر روانی مهاجرت بر ناپایداری اجتماعی - اقتصادی مناطق روستایی: مطالعه موردی منطقه سیستان». *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۸(۳)، ۴۷-۶۴.
- هال، آنتونی، میجلی، جیمز (۱۳۸۸). *سیاست اجتماعی و توسعه*، ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران: جامعه‌شناسان.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). *Qualitative Research in Psychology*, University of Auckland and University of The West of England.
- Fereday, J. & Muir-Cochrane, E. (2006). Demonstrating rigor using thematic analysis: A hybrid approach of inductive and deductive coding and theme development. *International journal of qualitative methods*, 5(1), 80-92.
- Grieco, E. M. (1998). The effects of migration on the establishment of networks: Caste disintegration and reformation among the Indians of Fiji. *International Migration Review*, 704-736.
- Lin, J. C. G. & Yi, J. K. (1997). Asian international students' adjustment: Issues and program suggestions. *College student journal*.
- Michaelides, M. (2011). The effect of local ties, wages, and housing costs on migration decisions. *The Journal of Socio-Economics*, 40(2), 132-140.
- Poston, D. L. Zhang, L. Gotcher, D. J., & Gu, Y. (2009). The effect of climate on migration: United States, 1995-2000. *Social Science Research*, 38(3), 743-753.
- Kousar, S., Rehman, S., & Rehman, C. A. (2014). Male migration and problems face by the family left behind. *International Journal for Innovation Education and Research*, 2(7), 61-72.